

خیلواکی



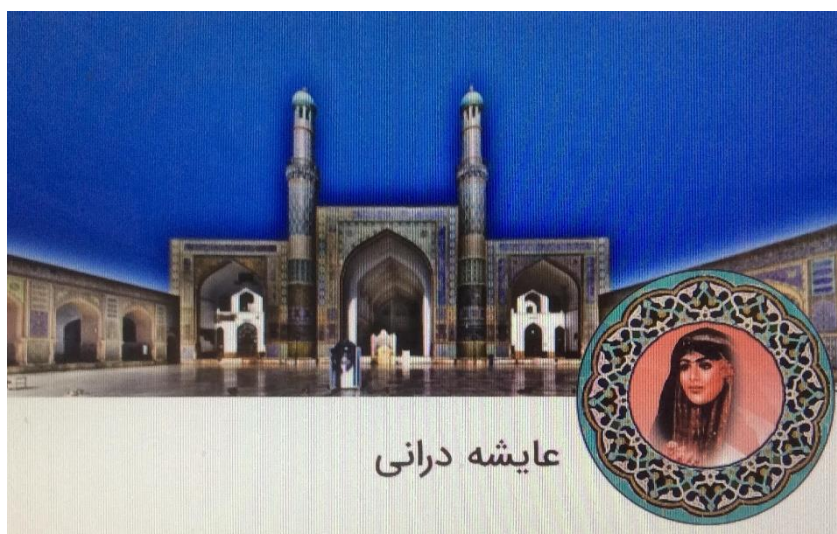
استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

۱۲ جولای، ۲۰۲۳

داکتر سنزل نوید  
یونورستی اریزونا

## نگرشی بر زندگی و اشعار عایشه درانی از دیدگاه تاریخ ۰۱



بررسی زندگی هر شاعربه ارائه وضع اجتماعی و تاریخ آن دوره نیازمند است. این امربالخصوص در مورد عایشه درانی که سرنوشتش با واقعات تاریخی عصر رشته ناگسستگی داشت، صدق میکند. تاریخ تولد عایشه دقیقا معلوم نیست، اما میدانیم که وی در عصر سلطنت شاهان سدوزائی، یعنی اواخر قرن هژده و شروع قرن نژده میلادی، در کابل میزیسته و اعضای خانواده اش حائز مقام برجسته ای در دستگاه سلطنتی بوده اند. نیمه اول زندگی عایشه مصادف بود به عصر آرامش نسبی سلطنت تیمورشاه که از سال ۱۱۸۶ ه.ق (۱۷۷۳ میلادی) الی ۱۲۰۷ ه.ق (۱۷۹۳ میلادی) ادامه نمود، ولی قسمت آخر زندگانی او همزمان با دگرگونی های سریع، از هم گسیختگی، و نا آرامیهای سیاسی بود که بازتاب آنها را میتوان در لابلای اشعار این شاعر با احساس و تیزبین تشخیص داد. این رساله کوششی است در جهت روشن نمودن شرایط فرهنگی و اجتماعی و حوادثی که مجموعا اشعار عایشه را متأثر ساخته است. پیش از آغاز

بحث اصلی بيمورد نخواهد بود که به پژوهش های مختصری که تا حال در باره شاعر صورت گرفته نظر افکنده و دوره تاریخی را که عایشه در آن میزیسته است باختصار مرور نمایم.

### نشر دیوان و شهرت ادبی:

خوشبختانه، برخلاف صدها زن شاعر گمنام که از آثار شان جزء چند شعر پراکنده چیزی در دست نیست، مجموعه اشعار عایشه بطور کامل و دست نخورده به جا مانده است و هویتش نیز کاملاً روشن است و اینرا بانیست بدرجه اول مرهون غور و دقت خود شاعر دانست. عایشه اشعارش را به دقت جمع آوری نموده و در آخر دیوان از اصل و نسب، محل بود و باش و عصر و زمان خویش سخن گفته و تاریخ اتمام دیوانش را دقیقاً چاشت (ظهر) روز پنجشنبه بیست و ششم ماه رجب ۱۲۳۲ ثبت نموده است. بنابراین، نکته تاریک و مبهمی درباره هویت و عصر زندگی شاعر موجود نیست. و اما آنچه این گنجینه را از خطر نابودی نجات داد توجه و علاقه بخصوص امیر عبدالرحمن خان فرمانروای افغانستان (جلوس ۱۸۰۰- وفات ۱۹۰۱) به اشعار عایشه بود. در غیر آن، چنانکه در آخر دیوان مطبوع مرقوم است، ممکن بود که این مجموعه به طاق نسیان سپرده شده و کاملاً نابود گردد.

نسخه مکتوبه مرحومه در کتابخانه خسروی بود... مدت هفتاد و سه سال بسبب عدم قدردانی... در طاق نسیان و کنج فراموشی افتاده و از غایت فرسودگی با خاک یکسان گردیده بود. به حسن التفات شهریار... رونقی تازه و رواجی بی اندازه یافت و بواسطه فیض قدردانیهای آن ذات خورشید صفات دیوان مذکور از کنج خمول بذروه قبول شتافت و بموجب فرمان واجب الاذعان چابک دستان مطبع فیض منبع دارالسلطنه کابل صانه الله و تعالی عن التطاول بتصحیح تام و تنقیح مالاکلام آنرا بقالب طبع درآوردند و نقاب احتجاب را از چهره این عروس زیبا بر انداختند....<sup>۱</sup>

دیوان عایشه بتاريخ پنجم رمضان سال ۱۳۰۵ قمری (۱۸۸۷ میلادی) بفرمان امیر و به اهتمام میر محمدعظیم خان و منشی عبدالرزاق در مطبعه سنگی دارالسلطنه بچاپ رسید.<sup>۲</sup>

پس از طبع دیوان، زمینه بحث در باره عایشه فراهم آمد. نخستین بار در سال ۱۳۰۴ شمسی (۱۹۲۵ میلادی) در سلسله معرفی زنان نام آور در کتاب امان النسوان که از طرف وزارت معارف آن وقت بچاپ رسید، فصل مختصری درباره عایشه اختصاص یافته است که در آن نویسنده عایشه را نظر به داشتن دیوان مکمل پیش قدم زنان سخنسرای فارسی زبان معرفی

<sup>۱</sup> عایشه افغان، امان النسوان، کابل: وزارت معارف، مطبعه رفیق، ۱۳۰۴، ص. ۷۸-۸۹

<sup>۲</sup> عایشه افغان، امان النسوان، کابل: وزارت معارف، مطبعه رفیق، ۱۳۰۴، ص. ۷۸-۸۹

نموده است. متعاقب آن، مرحوم محمد سرور گویا (اعتمادی) در یک رساله کوتاه ولی جامع که در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در مجله کابل بچاپ رسید،<sup>۳</sup> به چند نکته مهم که از زندگی نامه منظوم خود شاعران قلم افتاده است، روشنی انداخت. به روایت گویا، عایشه از آغاز سال بیستم عمر شروع بسرودن اشعار نموده و شعری را که در وصف غروب کابل سروده بود با مطلع زیر در حضور تیمورشاه قرائت کرد:

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون مگر خورشید را کشته که دارد دامن پر خون

تیمورشاه که خود ادیب و شاعریا قریحه بود، استعداد و حسن قریحه و ذوق سرشار عایشه را تقدیر نمود و برایش منزلت نیکو و مقام ارجمند قائل شد. بقول گویا، "تیمورشاه زادگان افکار عایشه را بدیده تقدیر و استحسان مینگریست و با صلات متواتر و گرانبهای خویش او را همیشه مسرور و محظوظ میداشت."

تاریخ تولد عایشه را حسین نایل بین سالهای ۱۱۸۰- ۱۱۷۵ (۱۷۵۵-۱۷۶۶) تخمین نموده است، که گمان می‌رود به حقیقت نزدیک باشد، اما درباره سال های اول زندگی عایشه اطلاعات زیادی در دست نیست. آگهی ما در این مورد مطالب معدودی است که مرحوم گویا در مقاله ای که در بالا ذکر شد، یاد آور شده است.<sup>۴</sup>

متأسفانه، در باره خصال شخصی و شرایط محیط خانوادگی عایشه و اینکه چه کسانی در وی اثر گذاشته و یا در پرورش ذهنی وی سهیم بوده اند، چیزی نمیدانیم. خانم ماگه رحمانی، نویسنده کتاب پرده نشینان سخن گوی، و<sup>۵</sup> عبدالرؤف بینوا، مؤلف دپشتنی میرمنی بخشی از کتاب خود را به عایشه تخصیص داده و گزیده ای از اشعارش را نقل نموده اند،<sup>۶</sup> اما راجع بخود شاعر بجز از آنچه از زندگی نامه منظوم آخر دیوان و نوشته محمد سرورگویا اقتباس شد است، معلومات بیشتری ارائه نداشته اند. نویسنده کتاب زنان دری پرداز بحث مفصلی را به عایشه اختصاص داده و بیش از هر پژوهشگری دیگر به تحلیل افکار شاعر توجه نموده است.<sup>۷</sup>

مؤرخینی که اوضاع فرهنگی و ادبی عصر سدوزائی را مطالعه نموده اند فقط به توان و قریحه شاعری عایشه اشاره نموده و با نوشتن چند سطر مختصر و ارائه نمونه کلامش اکتفا کرده اند.

<sup>۳</sup> محمد سرورگویا. "شاعره افغان"، مجله کابل، سال اول، شماره ۱۲، ۱۵ ثور ۱۳۱۱ ص. ۱۴

<sup>۴</sup> حسین نایل، "عایشه شاعره شکوه و ماتم"، مجله زنان افغانستان، شماره ۱۱، سال دوم، ص. ۲۸

<sup>۵</sup> ماگه رحمانی، پرده نشینان سخن گوی، طبع دوم، پشاور: انتشارات الاظهر ۱۳۷۸، ص. ۹۴-۹۸

<sup>۶</sup> عبدالرؤف بینوا، پشتنی میرمنی، کابل، ۱۳۲۳، ص ۱۰۰-۱۱۰

<sup>۷</sup> پروین سینا، زنان دری پرداز سده های دوازدهم و سیزدهم افغانستان، کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۶۷، ص. ۴-۳۹

عزیز الدین فوفلوزائی، مؤلف کتاب تیمورشاه درانی، باوجود بررسی دقیق تاریخ دوره سدوزائی و توجه خاصی که به زنان آن دوره مبذول داشته است، در بخش شعرا و نویسندگان از عایشه نام نبرده است، ولی در قسمت توضیح مختصر خانواده توپچی باشی ها از وی بعنوان شاعر شهیر افغانستان یاد آور شده و چند سطر از اشعارش را بطور نمونه نقل نموده است.<sup>۸</sup> محمد صدیق فرهنگ در بخش ادبی دوره سلطنت سدوزائی و همچنان محمد حیدر ژوبل موعلف تاریخ ادبیات افغانستان از عایشه بعنوان یکی از شعرای مشهور آن دوره بطور مختصر یادآور شده اند.<sup>۹</sup>

### عروج و زوال سلطنت سدوزائی یا درانی:

سلطنت دودمان سدوزائی در اکتوبر سال ۱۷۴۷ میلادی با انتخاب احمد خان ابدالی در لویه جرگه قندهار پیریزی شد. احمد شاه پس از رسیدن به سلطنت لقب "در درانی" را برگزیده و آنرا در قالب قبیلوی درآورد. از آن به بعد اسم عشیروی پشتون های ابدالی به درانی مبدل شد. محمود الحسینی واقعه نگار و منشی خاص احمدشاه و مؤلف تاریخ احمدشاهی در این مورد مینگارد<sup>۱۰</sup>: "بعد از آنکه آنحضرت بعنایت الهی بر تخت فیروزبخت سلطنت و صاحب کلاهی تکیه زدند بالهام ملهم غیبی ذات با برکات آنحضرت بشاه در دران و عموم این طایفه که در رکاب نصرت انتساب اشرف مصدر خدمات نمایان گردیده بود ملقب و مشهور به ایل جلیل درانی شدند."

درانی ها شامل شاخه های متعدد قومی بودند که از آنجمله دودمان سدوزائی، یعنی قبیله ایکه احمد شاه به آن منسوب بود، تا ربع اول قرن نزده میلادی و قبیله بارکزائی، که سلسله شاهان محمدزائی به آن مرتبط میگردد، تا تأسیس جمهوریت دموکراتیک خلق افغانستان در سال ۱۹۷۸ میلادی قدرت سیاسی افغانستان را در دست داشتند. تبار عایشه نیز به یکی از شاخه های عشیره بارکزائی مرتبط میگردد.

احمدشاه پس از رسیدن به سلطنت، حکومتی مبتنی بر توازن بین اقوام و عشایر مختلف تشکیل داد و با تعقیب خط مشی پیش قدم خود، میرویس خان هوتکی (۱۷۰۹-۱۷۱۵)، کشور یک پارچه با محدوده جغرافیائی و سیاسی مشخص، یعنی افغانستان موجوده را تأسیس نمود. با جلب همکاری سران با نفوذ قومی و استفاده از ضعف شاهان مغلی هند و اوضاع فروپاشیده ایران پس از کشته شدن نادرشاه افشار، احمدشاه امپراطوری پهناوری که حدود آن از دریای آمو تا بحر هند و از آستان خراسان ایران تا کشمیر، سند و پنجاب میرسید، بنا نهاد. تیمورشاه پسر و

<sup>۸</sup> عزیزالدین فوفلوزائی، تیمورشاه درانی. کابل: انجمن تاریخ، ۱۳۴۶، جلد دوم، ص. ۳۶، ۳۶۳.  
<sup>۹</sup> م. صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۱، جلد اول، قسمت اول، ص. ۱۶۹.  
<sup>۱۰</sup> محمود الحسینی المنشی. تاریخ احمدشاهی. مسکو: چاپ از نسخه عکسی، شعبه ادبیات خاور، اداره نشرات "دانش"، ۱۹۷۴، ص. ۳۱.

جانشین احمدشاه قدرت و استعداد نظامی پدر را نداشت، با اینهم در دوره سلطنت بیست و یک ساله خویش حدود امپراطوری درانی را موفقانه حفظ نمود و امور مملکتی را با حسن اداره پیش برد. دوره سلطنت او، که مصادف با سالهای اول جوانی عایشه میباشد، بنا بر روایت فارستر و نویسندگان بعدی یک دوره رفاه عمومی و آرامش نسبی سیاسی بود.<sup>۱۱</sup>

بعد از مرگ تیمورشاه امپراطوری وسیع و نو پایه درانی دستخوش بحرانهای شدید سیاسی گردید. مناقشه بین مدعیان اریکه سلطنت از یک طرف، و توطئه نگری های سران عشایر از جانب دیگر، موجب شد که پایه پیوند های که در ابتداء موفقیت سلاله درانی را ممکن ساخته بود، در هم شکند. در نتیجه این کشمکش ها، نماد پادشاهی به عنوان مظهر اتحاد اقوام گوناگون بتدریج اهمیت قبلی خود را از دست داد. محمدصدیق فرهنگ علت اصلی این دگرگونی سریع را در وضع سیاسی آن دوره چنین توضیح نموده است:

..... در اداره داخلی احمدشاه یک نوع تضاد و دوگانگی موجود بود که وی نمیتوانست آنرا بصورت اساسی حل نماید. او مجبور بود از یک سو سران عشایر، مخصوصا عشایر درانی را تقویت نماید تا با او در اداره یاری نمایند از سوی دیگر می خواست قدرت آنها را در حدودی نگهدارد که مقام خودش در خطر نیافتند. تا وقتیکه راه فتوحات در شرق و غرب باز بود آشتی دادن این دو منظور متضاد از طریق مصروف ساختن سرداران در جنگهای خارجی موجود بود، اما بعد از آنکه در اثر قوت گرفتن سیکهان در پنجاب و تشکیل دولت قاجار در ایران این باب مسدود گردید تضاد مذکور شدت یافته در مآل به ضعف دولت مرکزی و جنگهای داخلی منجر گردید.<sup>۱۲</sup>

کشمکشهای خونین بین پسران تیمورشاه برای بدست آوردن تاج و تخت شاهی موجب شد که حکمرانان ولایات، بالخصوص ولایات دوردست، در قلمرو اقتدار خود قدرت بیشتر بدست آورند. در فاصله بیست و شش سال بین مرگ تیمورشاه در سال ۱۷۹۳ و انقراض سلطنت دوم شاه محمود در سال ۱۸۱۸، که اتفاقا مقارن با تاریخ وفات عایشه میباشد، تاج و تخت شاهی چهار بار بین پسران تیمورشاه یعنی شاه زمان، شاه محمود، شاه شجاع و شاه محمود برای بار دوم رد و بدل شد. بقرار گفته فوفلزائی در سالهای پر آشوب سلطنت دوم شاه محمود، که از ۱۸۰۹ الی ۱۸۱۸ میلادی دوام و اتفاقا مصادف با سالهای آخر زندگی عایشه بود، چهل و دو واقعه مهم بوقوع پیوست.<sup>۱۳</sup> از آن جمله بود سرکشی صوبه دار یا والی کشمیر. در جنگی که در سال

<sup>۱۱</sup> جارج فارستر، مسافرت از بنگال تا انگلستان. (انگلیسی) لندن: ۱۷۹۸، ص. ۱۰۱، ۹۴

<sup>۱۲</sup> میر محمد صدیق فرهنگ، همان کتاب، ص

<sup>۱۳</sup> عزیزالدین. وکیلی فوفلزائی. تیمورشاه درانی. کابل: انجمن تاریخ، ۱۳۴۶، جلد دوم، ص. ۲۵۱

۱۲۲۷ ه. ق. مطابق به ۱۸۱۲ میلادی بقیادت اشرف الوزرا فتح محمدخان جهت سرکوبی والی کشمیر رخ داد، فیض طلب، پسر عایشه، که منصب توپچی باشی را بعهدہ داشت کشته شد. این واقعه زندگی عایشه را بیکباره دگرگون ساخت. اشعار آخر دیوان عایشه بازتاب اثر جانگداز این حادثه در زندگی شاعر است.

اوضاع ادبی و فرهنگی در عصر شاهان سدوزائی:

ادامه دارد.